

خلاصه گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵

کار برای توسعه انسانی

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۵۵۸۶
آذرماه ۱۳۹۶

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	۱. ارزش کار برای جامعه
۳	۱-۱. کار چیست؟
۴	۱-۲. انواع کار
۶	۱-۳. کار از دیدگاه توسعه انسانی
۶	۱-۴. کار ارزشمند (پایدار)
۶	۲. دستاوردها و چالش‌های توسعه انسانی در جهان معاصر
۷	۲-۱. دستاوردها
۷	۲-۲. چالش‌ها
۱۲	۳. رابطه کار با توسعه انسانی
۱۲	۳-۱. کار، عامل اصلی توسعه انسانی
۱۳	۳-۲. کارهای آسیب‌رساننده به توسعه
۱۵	۴. جهان در حال تغییر کار (تحولات شغلی)
۱۶	۴-۱. جهانی شدن
۱۸	۴-۲. انقلاب فناوری
۱۹	۵. پیامدهای دگرگونی‌های کار (تحولات شغلی) و توسعه انسانی
۲۰	۵-۱. قطع رابطه بهره‌وری و دستمزدها
۲۰	۵-۲. افزایش نابرابری در سهم درآمد
۲۱	۵-۳. کاهش قدرت چانه‌زنی کارگران
۲۱	۵-۴. بیکاری جوانان
۲۲	۵-۴. جمع‌بندی
۲۲	۶. پیشبرد توسعه انسانی از مسیر اشتغال
۲۳	۶-۱. تعیین هدف اشتغال
۲۴	۶-۲. تدوین استراتژی‌های توسعه اشتغال‌زا
۲۴	۶-۳. کار شایسته
۲۵	۶-۴. سایر اقدامات
۲۵	جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی



خلاصه گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵ کار برای توسعه انسانی

چکیده

براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ نرخ مشارکت نیروی کار در ایران ۰/۳۹ و نرخ مشارکت متوسط در جهان حدوداً ۰/۶۱ است، به تعبیر دیگر در ایران تقریباً به ازای هر ۳/۵ نفر، تنها یک فرد کار کرده و تأمین معیشت آنها را برعهده دارد، حال آنکه این نسبت در دنیا ۲/۲ نفر به ازای هر نفر است. همین آمار برای نشان دادن وضعیت توسعه انسانی در ایران و فشاری که نیروی کار برای تأمین معیشت کل جامعه ایرانی تحمل می کند، کافی است. به این آمار باید نرخ بیکاری یعنی جمعیتی که جویای کار است اما کار نمی یابد، بیکاری پنهان یعنی افرادی با مشاغل پاره وقت و شاغلین با درآمد کمتر از خط فقر را نیز افزود تا شاخصی از رفاه اجتماعی و سطح توسعه انسانی در ایران به دست آید. با آنکه در سال های پس از جنگ تحمیلی تاکنون پنج برنامه توسعه در کشور اجرا شده است، اما به رغم برخی پیشرفت ها در زمینه توسعه زیرساخت ها، آموزش، کشور در امر اشتغال زایی و به ویژه کیفیت اشتغال در ایران شاهد دستاوردهای معناداری نبوده است.

گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵ که با محوریت «کار برای توسعه انسانی» تهیه شده و اخیراً توسط مؤسسه کار و تأمین اجتماعی (وابسته به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)^۱ ترجمه شده است، با تأکید بر اینکه هدف توسعه باید بسط فرصت های انتخاب برای انسان ها باشد، بررسی کیفیت کار در جوامع گوناگون را مورد توجه قرار داده و راهکارهایی برای بهبود کیفیت کار استخراج کرده است. گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵ ضمن یادآوری این نکته که بین کار و توسعه انسانی رابطه خودکار و از پیش تعیین شده ای وجود ندارد، تأکید دارد که «کیفیت کار عامل مهم تضمین تأثیر مثبت کار در توسعه انسانی است». برخی از مهمترین نکات این گزارش از قرار زیر می باشد:

- تقویت توسعه انسانی از مسیر کار به تدوین سیاست ها و استراتژی ها در سه حوزه - **ایجاد فرصت های کار، تضمین رفاه کارگران و انجام اقدامات و مداخلات هدفمند** - نیاز دارد.
- در ایجاد فرصت های کار، **استراتژی های اشتغال ملی** و بهره برداری از فرصت ها در جهان در حال تغییر کار، اهمیت دارد.
- در تضمین رفاه کارگران، برنامه های تضمین حقوق کارگران و مزایای آنها، **گسترش**

۱. «گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵: کار برای توسعه انسانی» (از سری انتشارات برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) (۱۳۹۵)، ترجمه صابر شبیانی اصل و وحید قاسمیان؛ مؤسسه کار و تأمین اجتماعی).

حمایت‌های اجتماعی و حل‌وفصل نابرابری لازم است.

- در اقدامات و مداخلات هدفمند نیز باید بر کار پایدار، حل مشکل نابرابری در کار درآمدی و غیردرآمدی و مداخلات ویژه برای گروه‌های خاص مانند جوانان و افراد دارای معلولیت تمرکز شود.
- فراتر از موارد بالا، دستور کار مشخصی برای پیگیری «قرارداد اجتماعی جدید»، یک «تفاهم جهانی» و برنامه «کار شایسته» نیز ضرورت دارد.

این گزارش همچنین بر اهمیت اشتغال تا آنجا تأکید دارد که ضمن نقد رویکرد تمرکز بانک‌های مرکزی بر هدف تورم اندک، خواهان تغییر رویکرد و اتخاذ راهبرد دوجوهی کاهش تورم و افزایش اشتغال (تورمزدایی و اشتغال‌زایی) شده است.

از منظر مسائل مبتلابه اقتصاد ایران تأکید این گزارش بر لزوم اتخاذ استراتژی ملی توسعه اشتغال‌زا می‌تواند برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور قابل توجه باشد. همچنین در شرایطی که به نظر می‌رسد هدف تورمزدایی، اشتغال‌زایی را در اقتصاد ایران تحت‌الشعاع قرار داده و دانش تصمیم‌گیران اقتصادی کشور همچنان مربوط به دوره‌ای است که وظایف بانک مرکزی در تورمزدایی خلاصه می‌شد، تأکید گزارش اخیر بر لزوم هدفگذاری دوجوهی بانک‌های مرکزی بر اشتغال‌زایی و تورمزدایی و ناموفق بودن سیاست‌های سابق، واجد اهمیت ویژه است. در ادامه خلاصه‌ای از این گزارش ارائه شده است.

مقدمه

تاریخ توسعه پس از جنگ جهانی دوم همراه با تلاش‌های گسترده برای خروج از توسعه‌نیافتگی، شاهد تحول این مفهوم و در واقع شاهد تغییر هدف توسعه‌گرایی بوده است. به تعبیر دیگر در حالی که تئوری‌های اولیه توسعه، رشد درآمد ملی را با توسعه یکی گرفته و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشورها را به انباشت سرمایه و تحقق رشد توصیه می‌کردند، تئوری‌های متأخر توسعه به جای رشد، پرورش قابلیت‌های انسانی را دارای اهمیت می‌دانند. از این‌رو است که هلن کارر، مدیر برنامه عمرانی ملل متحد در پیشگفتار گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵ توسعه را «گسترش دامنه انتخاب‌های مردم» عنوان کرده و آن را بیش از آنکه به «فره شدن اقتصادها» مربوط بداند به «غنای زندگی انسان‌ها» مرتبط دانسته است. قابل توجه است که این تعریف، رفاه راحتی در ابعاد مادی زندگی محدود نکرده و توان آن را دارد که همه جهت‌گیری‌های فرهنگی، معنوی و تعالی‌بخش زندگی انسان‌ها را نیز دربرگیرد.

گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵، که اخیراً به همت دکتر صابر شیبانی اصل و دکتر وحید قاسمیان از سوی مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ترجمه و منتشر شده است از آن رو اهمیت دارد که مسئله توسعه انسانی را با یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران (یعنی اشتغال) پیوند زده است.



گزارش اخیر با طرح یک پرسش اساسی آغاز می‌شود: «کار چگونه می‌تواند توسعه انسانی را تقویت کند؟» این گزارش مفهوم گسترده‌ای از کار را واکاوی کرده و فراتر از چارچوب مشاغل، فعالیت‌هایی مانند کار مراقبتی غیردستمزدی، کار داوطلبانه و کار خلاق را نیز پوشش داده و بیان داشته اگر قرار باشد توسعه به ارتقای قابلیت‌های افراد بینجامد، این ارتقاء باید از مسیر اشتغال‌زایی محقق گردد. همچنین تبیین اشتغال با کیفیت به تأکید بر مفهوم «کار شایسته» و سپس «کار پایدار» منجر شده است. گزارش حاضر در ۷ بخش تنظیم شده است. این بخش‌ها عبارتند از ارزش کار برای جامعه، دستاوردها و چالش‌های توسعه انسانی در جهان معاصر، دو چهره کار در جهان معاصر، جهان در حال تغییر کار، جهانی شدن و تبعات آن برای کار، پیشبرد توسعه انسانی از مسیر اشتغال و در انتها جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی.

۱. ارزش کار برای جامعه

بازتعریف مفهوم کار بنیان اصلی گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵ را می‌سازد. در این گزارش، کار نه تنها شامل هر نوع فعالیتی است که به تولید و مصرف کالاها و خدمات منجر می‌شود، بلکه فعالیت‌های خاص تولیدی را که هدفی فراتر از ارزش اقتصادی دنبال می‌کند نیز پوشش می‌دهد.

۱-۱. کار چیست؟

کار فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که رفاه انسانی را در ابعادی وسیع‌تر، هم برای حال و هم برای آینده تأمین می‌کند. کار مردم را قادر می‌سازد تا امرار معاش داشته و به لحاظ اقتصادی امنیت کسب کنند. کار برای رشد اقتصادی پایدار، کاهش فقر و برابری جنسیتی ضروری است.^۱ کار همچنین از طریق القای حس عزت نفس و ارزشمندی امکان مشارکت اجتماعی مردم را فراهم می‌کند. کار جوامع را نیز قدرتمند می‌کند. انسان‌ها با کار و تلاش نه تنها رفاه مادی خود را افزایش می‌دهند، بلکه دانش فراوانی کسب می‌کنند که خود شالوده فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست و اگر کار و تلاش در محیط دوستانه و سالمی صورت گیرد منافع آن به نسل‌های بعدی نیز گسترش می‌یابد. در نهایت، کار موجب شکوفایی قابلیت‌های انسان، خلاقیت مادی و تلطیف روح انسان می‌شود.

ارتباط بین کار و توسعه انسانی ارتباط دوطرفه و هم‌افزاست. کار با خلق درآمد و معیشت، کاهش فقر و تضمین رشد متوازن، توسعه انسانی را تقویت می‌کند. توسعه انسانی - با ارتقای سلامت، دانش، مهارت و آگاهی - سرمایه انسانی و دامنه انتخاب‌ها را بهبود می‌بخشد.

۱. البته در آموزه‌های اسلامی برابری جنسیتی به مثابه همسانی رد شده و آنچه مورد توجه است عدالت جنسیتی است.

۲-۱. انواع کار

کار اشکال متنوعی دارد، کار مفهومی گسترده‌تر از شغل (کار درآمدزا) دارد. شغل درآمد ایجاد می‌کند و پشتیبان کرامت انسان، مشارکت اجتماعی و امنیت اقتصادی است، اما چارچوب شغل محدود است. شغل نمی‌تواند بسیاری از کارهایی را که انعطاف‌پذیری بیشتر یا دامنه گسترده‌تری دارند، از جمله کار مراقبتی و خلاقیت‌های فکری و هنری-مانند نویسندگی و تصویرگری- که در توسعه انسانی نقش مهمی دارند پوشش دهد. بر این اساس کار را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: کار درآمدزا (شغل)، کار مراقبتی غیردرآمدی، کار داوطلبانه و کار هنری خلاقانه (دسته چهارم خود به دو بخش درآمدی و غیردرآمدی تقسیم می‌شود).

۱-۲-۱. کار درآمدزا

کار درآمدی یا اشتغال درآمدی شامل کار دستمزدی و خوداشتغالی است. کار دستمزدی به مشاغلی اطلاق می‌شود که شاغل تحت یک قرارداد استخدام صریح (کتبی یا شفاهی) یا غیرصریح با کارفرما در قبال دریافت درآمدی که به‌طور مستقیم هیچ ارتباطی با درآمد کارفرما ندارد، کار می‌کند (کارفرما حسب مورد می‌تواند یک شرکت، یک مؤسسه غیرانتفاعی، یک سازمان دولتی یا یک خانواده باشد). در کار خویش‌فرما، فرد برای خود کار کرده و کارفرمای خود محسوب می‌شود.

۲-۲-۱. کار مراقبتی غیردرآمدی

کار مراقبتی غیردرآمدی در برآوردهای ارزش اقتصادی مغفول مانده است؛ ولی برای افراد و جامعه ارزش بزرگی داشته و برای بسیاری منشأ لذت و بهره‌مندی است. در یک خانواده و جامعه، فعالیت‌هایی از این سنخ شامل خدمات مختلفی است که افراد برای مراقبت از خود و دیگران انجام می‌دهند. برخی از این خدمات همان وظایف روزمره در همه خانواده‌هاست، مانند نظافت، پخت‌وپز و تأمین آب و هیزم مصرفی، اما بخش مهمی از این کار به مراقبت از دیگران (برای مثال مراقبت از ۲ میلیارد کودک) مرتبط است. باوجود منظور نشدن کار مراقبتی غیردرآمدی در محاسبات، این نوع کار از ارزش بالایی برخوردار است. برای مثال در هندوستان ارزش کار مراقبتی غیردرآمدی معادل ۳۹ درصد تولید ناخالص داخلی و در آفریقای جنوبی ۱۵ درصد آن برآورد شده است.

۳-۲-۱. کار داوطلبانه

کار داوطلبانه به کار غیراجباری غیردرآمدی اطلاق می‌شود - به بیان دیگر، افراد وقت آزاد خود را خارج از خانواده خود از طریق یک مؤسسه یا به‌طور مستقیم صرف فعالیت‌های بدون دستمزد برای دیگران می‌کنند. کار داوطلبانه بنا به تعریف مظهر و نمایه‌ای از انتخاب آزاد است و از جنبه فردی و ذاتی به تقویت توسعه انسانی منجر می‌شود.

۴-۲-۱. کار هنری خلاقانه

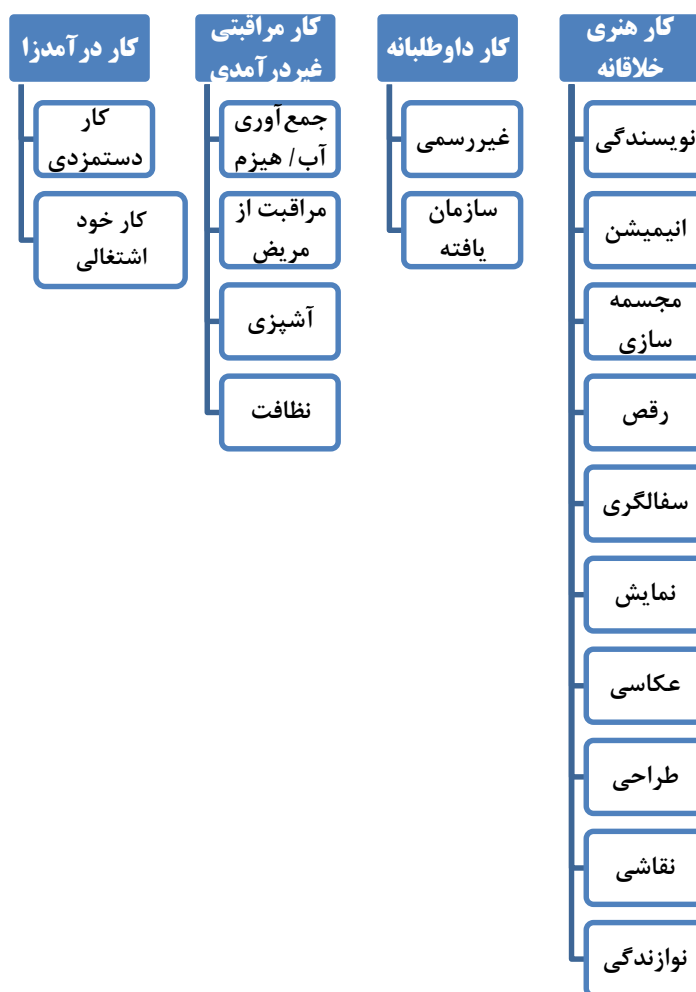
همه فعالیت‌های هنری و خلاقانه مانند نویسندگی، مجسمه‌سازی، سفالگری، نمایش و ... در قالب کارهای



هنری خلاقانه قرار می‌گیرند. کار هنری در تقویت همبستگی اجتماعی و نیز هویت فرهنگی مؤثر است و البته گاهی درآمد نیز ایجاد می‌کند. برای نمونه بازار هنرهای دستی در جهان در سال ۲۰۱۱ معادل ۳۰ میلیارد دلار درآمدزایی داشته است.

انواع کار برمبنای تقسیم‌بندی گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵ در نمودار ذیل ارائه شده است:

نمودار ۱. انواع کار (کار مفهومی فراتر از شغل دارد)



مأخذ: گزارش توسعه انسانی، ۲۰۱۵، ص ۴۰.

همچنان که در بالا مشخص است کار می‌تواند درآمدی یا غیردرآمدی، رسمی یا غیررسمی و انجام دادن آن محدود به خانه یا بیرون از خانه باشد. کار می‌تواند در شرایط بسیار متفاوتی انجام پذیرد، برای مثال در محیط رضایت‌بخش یا رنج‌افزا. سطوح بسیار متفاوتی از حقوق کار و فرصت‌ها وجود دارند که همه بیانگر بسترها و سطوح مختلفی از توسعه هستند. بنابراین اهمیت کیفیت کار کمتر از کمیّت آن نیست.

۳-۱. کار از دیدگاه توسعه انسانی

توسعه انسانی یعنی گسترش دامنه انتخاب‌های انسان و ارزشمند کردن زندگی انسان و نه صرفاً بهبود اقتصاد زندگی. «کار» که مردم را در سرتاسر جهان به انحای مختلف مشغول کرده و بخش مهمی از زندگی آنها محسوب می‌شود در فرآیند توسعه انسانی نقش مهمی دارد. کار هم بازده پولی و هم غیرپولی داشته؛ ملموس و غیرملموس است و نتایج ارادی و غیرارادی نیز دارد.

۴-۱. کار ارزشمند (پایدار)

ارزش کار در کیفیت انسانی کار نهفته است. کار باید کرامت نفس و حس بالندگی ایجاد کرده، مشارکت و تعامل را تسهیل کند. برعکس، زمانی که کار توأم با تبعیض و خشونت باشد، ارزش کار از بین می‌رود و ارتباط آن با توسعه انسانی تضعیف می‌شود.

کار پایدار بنا به تعریف کاری است که توسعه انسانی را تقویت و اثر محرک‌های منفی بیرونی را که در موقعیت‌های جغرافیایی و زمانی متفاوت بر کار تأثیر می‌گذارند تضعیف - حذف کند. کار پایدار، نه تنها برای بقای جهان ضروری است، بلکه استمرار کار برای نسل‌های آتی را نیز تضمین می‌کند.

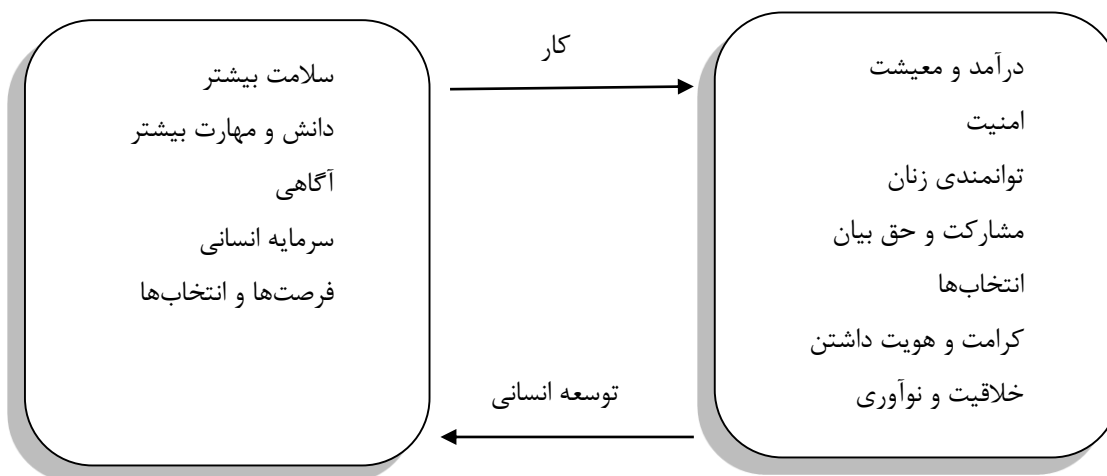
۲. دستاوردها و چالش‌های توسعه انسانی در جهان معاصر

توسعه انسانی فرآیند گسترش انتخاب‌های مردم است، بنابراین ارتباط تنگاتنگی با کار دارد. همچنین روابط مثبت بین کار و توسعه انسانی دوطرفه است. توسعه انسانی در وجوه مختلف از کار تأثیر می‌پذیرد و در ابعاد مختلف همدیگر را تقویت می‌کنند.

برای اهداف توسعه انسانی ارزش اجتماعی کار اهمیت دارد. کار زمانی که اهدافی فراتر از منافع فردی را دنبال می‌کند و به پیشبرد اهداف اجتماعی مشترک کمک می‌کند موجب تقویت رابطه کار- توسعه انسانی می‌شود. کاری که درآمد را افزایش و فقر را کاهش دهد، نابرابری را کمتر و تنش‌های اجتماعی را تلطیف می‌کند، همچنین درآمد حاصل از کار مشمول مالیات قرار می‌گیرد و منابع حاصل از آن می‌تواند برای توسعه انسانی استفاده شود. برای ارزیابی نسبت کار و توسعه انسانی در جهان معاصر دو تصویر از وضعیت توسعه انسانی و کار در بخش حاضر و بخش بعدی ارائه شده است.



نمودار ۲. کار و توسعه انسانی رابطه هم‌افزا دارند



۲-۱. دستاوردها

از سال ۱۹۹۰ به بعد، جهان گام‌های بلندی در توسعه انسانی برداشته است. شاخص توسعه انسانی در این مدت بیش از یک‌چهارم و در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز بیش از یک‌دوم افزایش داشته است. تعداد افرادی که در گروه «توسعه انسانی کم» قرار می‌گیرند، از ۳ میلیارد نفر در ۱۹۹۰ به اندکی بیش از ۱ میلیارد نفر در ۲۰۱۴ کاهش یافته است.

امروز مردم عمر طولانی‌تری دارند، کودکان بیشتری به مدرسه می‌روند و افراد بیشتری به آب سالم و سیستم فاضلاب پایه دسترسی دارند. این پیشرفت‌ها به موازات افزایش درآمدها رخ داده و نتیجه آن ایجاد استانداردهای بالای زندگی در تاریخ حیات بشر بوده است.

بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵، فقر درآمدهای در مجموع کشورهای در حال توسعه بیش از دوسوم کاهش یافته و تعداد افراد به‌شدت فقیر در سراسر جهان از ۱/۹ میلیارد نفر به ۸۳۶ میلیون نفر تقلیل یافته است. همچنین نرخ مرگ‌ومیر نوزادان بیش از یک‌دوم کاسته شده و مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال از ۱۲/۷ میلیون نفر به ۶ میلیون نفر کاهش یافته است. طی این سال‌ها بیش از ۲/۶ میلیارد نفر به آب سالم و ۲/۱ میلیارد نفر به امکانات مناسب فاضلاب دسترسی پیدا کرده‌اند. در این دوره، جمعیت نیز از ۵/۳ میلیارد نفر به ۷/۳ میلیارد نفر افزایش یافته است.

۲-۲. چالش‌ها

در کنار دستاوردهای توسعه انسانی که در بخش گذشته بیان شد، این مفهوم با چالش‌های مهمی نیز مواجه است که اصلی‌ترین آنها عبارتند از نابرابری، محرومیت، فقر چندبعدی و تکانه‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و مخاطرات.

۱-۲-۲. نابرابری^۱

توسعه انسانی در بین مناطق، بین کشورها و درون کشورها نامتوازن است. این نابرابری ابعاد درآمدی و غیردرآمدی را دربر می‌گیرد. در سال‌های اخیر افزایش درآمد در جهان به‌همراه افزایش نابرابری در درآمد، ثروت و فرصت‌ها صورت گرفته است. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ به‌طور متوسط در کشورهای در حال توسعه - بیش از ۷۵ درصد جمعیت جهان - در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که درآمدهای آن در مقایسه با دهه ۱۹۹۰ توزیع نابرابرتری دارد. در مالزی دهک درآمدی بالا در سال ۲۰۱۲ صاحب ۳۲ درصد درآمد ملی کشور بود و در مقابل دهک درآمدی پایین تنها ۲ درصد درآمد ملی کشور را در اختیار داشت.

امروزه ۸۰ درصد جمعیت جهان تنها ۶ درصد ثروت جهانی را در اختیار دارند. در واقع ۸۰ نفر در جهان روی هم ثروتی برابر با دارایی ۳/۵ میلیارد نفر از فقیرترین افراد جامعه جهانی دارند. تا سال ۲۰۱۶ سهم یک درصد از ثروتمندترین جمعیت جهان به بیش از ۵۰ درصد ثروت جهانی بالغ خواهد شد. نابرابری در این سطح مشکل بسیار جدی هم برای کارایی اقتصادی و هم برای ثبات اجتماعی است.

در جهان کار، حقوق و دستمزد از بهره‌وری، عقب افتاده و سهم کارگران در درآمد در حال کاهش است. وعده ضمنی انقلاب دیجیتال این بود که افزایش بهره‌وری کار و در نتیجه دستمزدهای بیشتر تحقق خواهد یافت. تصور می‌رود این وعده تحقق نیافته است. بهره‌وری با نرخ‌های قابل انتظار رشد نکرده و در بسیاری موارد افزایش آن به برقراری دستمزدهای بیشتر منجر نشده است. برای مثال در آمریکا افزایش بهره‌وری و دستمزدها در سال ۱۹۷۳ روند واگرایی خود را آغاز کرد و شکاف بین این دو از آن زمان به بعد گسترش یافت، به طوری که ارزش افزوده بهره‌وری در طول سال ۲۰۱۳ به حدود ۷۵ درصد بالغ شد، اما افزایش دستمزدها در کمتر از ۱۰ درصد محدود شد. در این کشور نسبت دریافتی مدیران ارشد به دریافتی کارکنان رشد بسیار سریعی داشته است: از نسبت ۲۰ به ۱ در سال ۱۹۶۵ به ۳۰ به ۱ در سال ۱۹۷۸ و نسبت ۳۸۳ به ۱ در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته و در سال ۲۰۱۳ به ۲۹۶ به ۱ رسیده است. این ارقام یک مسئله مهم اقتصادی و اخلاقی را درباره ارزش انواع متفاوت کار مطرح می‌کند.

۲-۲-۲. محرومیت^۲

نمونه دیگری از عدم توازن توسعه، دسترسی به امکانات اولیه زندگی است. به‌طور مثال در مولداوی ۶۹ درصد جمعیت شهری به آب سالم دسترسی دارند در حالی که تنها ۲۳ درصد از جمعیت روستایی آن از این امکانات برخوردارند.

افزون بر دستاوردهای نامتوازن در توسعه انسانی، محرومیت‌های انسانی نیز گسترده است. در جهان امروز ۷۹۵ میلیون نفر از گرسنگی متناوب رنج می‌برند. همچنین در هر دقیقه ۱۱ کودک زیر ۵ سال و

1. Inequality
2. Deprivation



در هر ساعت ۳۳ مادر فوت می‌کنند.

۳-۲-۲. فقر چندبُعدی^۱

در روش سنتی سنجش فقر، تنها درآمد مدنظر است و افرادی در فقر شدید هستند که با کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز زندگی می‌کنند، اما علاوه بر این گاهی افراد از آموزش محروم می‌شوند. سوء تغذیه دارند یا به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. این مفهوم گسترده از فقر در شاخص فقر چندبُعدی که متشکل از میانگین وزنی ۱۰ شاخص است انعکاس می‌یابد. یک فرد در صورتی که حداقل در یک سوم از این شاخص‌ها محرومیت داشته باشد در چارچوب شاخص فقر چندبُعدی فقیر محسوب می‌شود. البته هر یک از این شاخص‌ها سطح محرومیت تعریف شده‌ای دارند.

برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۱/۵ میلیارد نفر در جهان در فقر چندبُعدی زندگی می‌کنند.

۴-۲-۲. تکانه‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و مخاطرات

برای بسیاری از جوامع و به‌ویژه جوامع فقیر، توسعه انسانی تحت تأثیر انواع مختلف تکانه‌ها، آسیب‌ها و مخاطرات، نظیر بحران‌های مالی و اقتصادی، افزایش قیمت و فقدان امنیت مواد غذایی، افزایش قیمت انرژی، مخاطرات فزاینده سلامت و بیماری‌های واگیردار قرار دارد.

در آمریکای لاتین ۳/۲ میلیون نفر بدون در نظر گرفتن آثار بحران‌ها در فقر زندگی می‌کنند. در مقیاس جهانی حداقل ۶۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۴ بیشتر از مقادیر پیش‌بینی شده برای این سال بیکار بوده‌اند. بیماری‌های مزمن در جهان یک خطر جدی برای سلامت است. این بیماری‌ها سالیانه ۳۸ میلیون نفر را که حدود سه‌چهارم آنها (۲۸ میلیون نفر) اتباع کشورهای کم‌درآمد هستند را به کام مرگ می‌فرستند. دخانیات نیز سالیانه موجب مرگ ۶ میلیون نفر (از جمله مرگ‌های ناشی از استعمال سیگار) می‌شود که بنابر پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۳۰ به ۸ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. چاقی نیز گرچه قابل اجتناب و برگشت‌پذیر است، اما سهم فزاینده‌ای در بیماری‌های مزمن دارد.

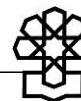
در سراسر جهان جوامع در برابر تبعات تغییرات اقلیمی، نظیر کاهش تنوع زیستی روز به روز آسیب‌پذیرتر می‌شوند. ساکنان مناطق خشک، دامنه کوه‌ها، مناطق با خاک ضعیف و زیست‌بوم‌های جنگلی بیش از سایرین در معرض این تغییرات قرار دارند.

دسترسی به آب نیز در آینده به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرد. این تغییرات در آفریقا ۲۵۰ میلیون نفر را به‌شدت با مضیقه آب روبرو خواهد کرد. در برخی از کشورهای خشکسالی، محصولات کشت دیم را تا سال ۲۰۲۰ به نصف کاهش خواهد داد.

در جدول ۱ دستاوردها و چالش‌های توسعه انسانی در جوامع معاصر آمده است.

جدول ۱. ترازنامه توسعه انسانی

محرومیت	پیشرفت
سلامت	
<p>- نرخ مرگ‌ومیر نوزادان در سال ۲۰۱۵ از یک‌سوم نرخ مربوط به سال ۱۹۹۰ کمتر بود، از ۹۰ مورد فوت در هر ۱۰۰۰ تولد زنده به ۴۳ مورد - یا برحسب مقادیر مطلق از ۱۲,۷ میلیون فوت به ۶ میلیون فوت - کاهش یافت.</p> <p>- بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۳ نسبت مرگ‌ومیر مادران ۴۵ درصد کاهش یافته، از ۳۸۰ فوت در هر ۱۰۰ هزار زایمان به ۲۱۰ فوت رسیده است.</p> <p>- بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۳ پیشگیری، تشخیص و درمان بیماری سل جان ۳۷ میلیون نفر را در جهان نجات داده است. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ مبارزه با مالاریا ۶/۲ میلیون نفر را از مرگ رهایی داده است. از سال ۲۰۰۰ به بعد واکنش جهانی به HIV از ۳۰ میلیون آلودگی جدید جلوگیری کرده است.</p>	<p>- در سال ۲۰۱۵ حدود ۶ میلیون کودک در جهان قبل از رسیدن به ۵ سالگی فوت کردند. تقریباً ۳ میلیون از این فوت‌ها در ۲۸ روز پس از تولد، دوره نوزادی رخ داده است.</p> <p>- در سال ۲۰۱۳ حدود ۲۹۰ هزار زن در سراسر جهان به دلایل مرتبط با حاملگی و زایمان فوت کردند.</p> <p>- در سال ۲۰۱۵ حدود ۲۱۴ میلیون ابتلا به مالاریا در جهان اتفاق افتاد و منجر به مرگ ۴۷۲ هزار نفر شد. در سال ۲۰۱۳ تعداد ۳۷ میلیون نفر نیز مبتلا به HIV بودند.</p>
آموزش	
<p>- نرخ باسوادی جوانان (سنین ۱۵-۲۴) در مقیاس جهانی از ۸۳ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۹۱ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. نرخ باسوادی بزرگسالان (سن ۱۵ سال و بالاتر) از ۷۶ درصد به ۸۶ درصد افزایش یافته است.</p> <p>- بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ تعداد کودکان ثبت نام شده در مقطع ابتدایی در همه مناطق افزایش داشته و در آفریقای زیر صحرای دوبرابر شده است.</p>	<p>- در سال ۲۰۱۲ حدود ۷۸۰ میلیون بزرگسال در جهان بی‌سواد بودند و در سال ۲۰۱۵ نیز ۱۰۳ میلیون جوان چنین وضعیتی داشتند.</p> <p>- حدود ۵۷ میلیون کودک در سن مقطع ابتدایی در جهان از مدرسه محروم هستند. از هر ۶ بالغ در محدوده سنی ۱۴-۱۶ یک نفر مقطعی ابتدایی را به اتمام نرسانده‌اند.</p>
توانمندی زنان	
<p>در ۴۲ کشور زنان بیش از ۳۰ درصد از کرسی‌های حداقل یکی از مجلس ملی کشور را در اختیار دارند.</p>	<p>در مقیاس جهانی زنان ۲۴ درصد کمتر از مردان دستمزد دریافت می‌کنند و حدود ۵۰ درصد از زنان در مشاغل آسیب‌زا فعالیت می‌کنند.</p>
دسترسی به خدمات اجتماعی پایه	
<p>- دسترسی به آب آشامیدنی سالم از ۱۹۹۰ به بعد برای ۲,۶ میلیارد نفر تحقق یافته است.</p>	<p>- حدود ۶۶۳ میلیون نفر در جهان آب مصرفی خود را از منابع آب نامناسب تأمین می‌کنند.</p>



محرومیت	پیشرفت
- در سال ۲۰۱۵، تعداد ۲/۴ میلیارد نفر در جهان از تسهیلات مناسب فاضلاب بهره‌مند نشدند و ۹۴۶ میلیون نفر از فضای باز برای دفع مزاج استفاده کردند.	- بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۲ تقریباً ۲/۱ میلیارد نفر دیگر در سطح جهان به امکانات مناسب فاضلاب دسترسی پیدا کرده‌اند.
درآمد و فقر	
از جمعیت ۷/۳ میلیاردی جهان در سال ۲۰۱۵، حدود ۴ میلیارد نفر که بسیاری از آنها در کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کردند، به اینترنت دسترسی نداشتند. محرومان از اینترنت معمولاً فقیرترین و محروم‌ترین مردم در جهان هستند.	- بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ تعداد افرادی که در کشورهای درحال توسعه با درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز زندگی می‌کردند از ۱,۹ میلیارد نفر به ۸۳۶ میلیون نفر کاهش یافته است. - نسبت افراد با تغذیه کم - افرادی که قادر به دریافت منظم غذا برای تداوم زندگی سالم و فعال نیستند- در کشورهای درحال توسعه از ۲۳/۳ درصد در دوره ۱۹۹۲-۱۹۹۰ به ۱۲/۹ درصد در دوره ۲۰۱۶-۲۰۱۴ کاهش یافت. در مقیاس جهانی شیوع کوتاهی قد در کودکان زیر ۵ سال از ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۱۳ افت کرد. - درآمد سرانه ناخالص در جهان ۷/۱ میلیارد مشترک موبایل و ۳/۲ کاربر اینترنت وجود داشت. در پایان سال ۲۰۱۴ بیش از یک میلیارد نفر کاربر فعال ماهانه فیس‌بوک و بیش از ۳۰۰ میلیون کاربر فعال توییتر از این شبکه استفاده می‌کردند.
پایداری زیست‌محیطی	
- حدود ۱/۳ میلیارد نفر در جهان در زمین‌هایی زندگی می‌کنند که از نظر اکولوژیکی ناپایدار و سست هستند. - بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۳ تولید دی‌اکسید کربن در جهان ۵۰ درصد افزایش یافت. - کمبود آب بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان را تهدید می‌کند.	- بین سال ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ زیان ناخالص جهانی از جنگل‌ها از میانگین ۸/۳ میلیون هکتار در سال به میانگین ۵/۲ میلیون هکتار کاهش یافت که مرهون جنگل‌کاری و توسعه طبیعی جنگل‌هاست. - جهان همچنین تولید ذرات تخریب‌کننده ازن را کاهش داده است. مصرف این مواد بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۲۰۱۳ تا ۹۸ درصد کاهش یافته است.

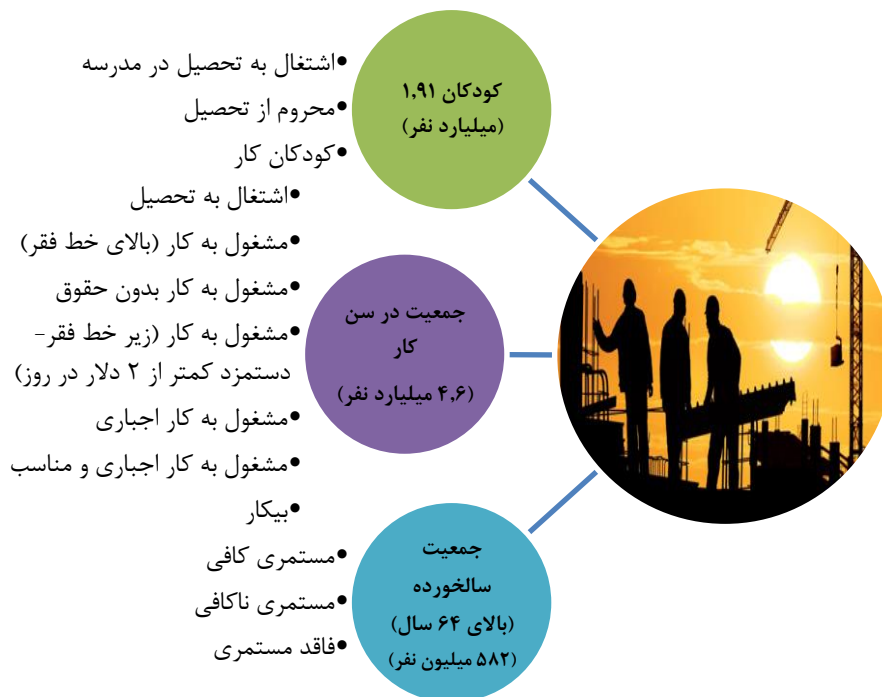
مأخذ: گزارش توسعه انسانی.

۳. رابطه کار با توسعه انسانی

کار در شرایطی توسعه انسانی را بهبود می‌بخشد که سیاست‌ها بتوانند فرصت‌ها و روند توسعه کار مولد، خلاق و رضایت‌بخش را افزایش دهند، مهارت‌ها و قابلیت‌های کار را تقویت کنند و حقوق، سلامت و رفاه کارگران را تضمین کنند.

از کل جمعیت ۷/۳ میلیارد نفری جهان، ۳/۲ میلیارد نفر کار درآمدزا دارند، بقیه در مشاغل دیگر مانند کار مراقبتی، کار هنری و خلاقانه، مشاغل داوطلبی و سایر انواع کار اشتغال دارند، یا خود را برای ورود به کار در آینده آماده می‌کنند. برخی از این مشاغل در توسعه انسانی مؤثرند و برخی دیگر خیر. البته برخی از مشاغل نیز به توسعه انسانی آسیب می‌زنند. در نمودار ۳ وضعیت کار در جهان آورده شده است.

نمودار ۳. وضعیت کار در جهان



۳-۱. کار، عامل اصلی توسعه انسانی

کار در انواع مختلف آن با مشارکت ۳/۲ میلیارد نفری به توسعه انسانی کمک کرده است. حدود یک میلیارد نفر در بخش کشاورزی مشغول به کارند و بیش از ۵۰۰ میلیون کشاورز با مشارکت خانواده خود بیش از ۸۰ درصد از غذای جهان را تولید می‌کنند. در چین و هند ۲۳ میلیون نفر در مشاغل مرتبط با انرژی پاک، پایداری محیط زیست را تقویت می‌کنند.

کار، علاوه بر منافع آن برای افراد دارای ارزش اجتماعی است. بیش از ۴۵۰ میلیون کارآفرین،



خلاقیت و نوآوری را در جامعه گسترش می‌دهند. حدود ۵۳ میلیون کارمند، مسئولیت مراقبت از مردم را برعهده دارند. کار مراقبتی برای کودکان، آنها را برای ورود به آینده آماده می‌کند. کار هنرمندان، نوازندگان و نویسندگان زندگی انسان‌ها را پربارتر می‌کند. بیش از ۹۷۰ میلیون نفر در مشاغل داوطلبانه، خانواده‌ها و جوامع را پشتیبانی، شبکه‌های اجتماعی را ایجاد و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کنند.

۲-۳. کارهای آسیب‌رساننده به توسعه

بسیاری از مردم برای امرار معاش کار می‌کنند. آنها همچنین کار می‌کنند تا زندگی خود را ارزشمند و معنادار کنند، اما همه کارها، این دستاوردها را به‌دنبال ندارد. افراد زیادی به کارهایی اشتغال دارند که انتخاب‌های زندگی را برایشان محدود می‌کند. میلیون‌ها نفر در شرایط غیرعادلانه و بهره‌کشی کار می‌کنند به‌گونه‌ای که اصول اولیه حقوق بشر در موردشان لحاظ نمی‌شود و کرامت انسانی آنها نیز مخدوش می‌گردد، از جمله این افراد به کودکان کار، کارگران اجباری و افرادی که پس از قاچاق وادار به کار اجباری می‌شوند می‌توان اشاره کرد.

این نوع کارهای گناه‌آلود و بهره‌کشی از افراد، توسعه انسانی را تخریب می‌کند. میلیون‌ها نفر از کارگران بومی، مهاجران، کارگران صنایع پرخطر و کارگران جنسی زندگی خود را همواره در معرض خطر قرار می‌دهند و رفاه خود را تباه می‌سازند. در ادامه به اصلی‌ترین انواع کارهای آسیب‌رساننده به توسعه یعنی اشتغال غیراستاندارد، مشاغل پرخطر و تبعیض پرداخته شده است.

۱-۲-۳. اشتغال غیراستاندارد

اشتغال غیراستاندارد به ترتیبات کاری اطلاق می‌شود که خارج از حوزه روابط اشتغال استاندارد (دارای مزایای کاری شامل بیمه و امنیت شغلی) قرار می‌گیرد. این اشتغال شامل کار تمام‌وقت است و روابط کاری در آن نامشخص و وابسته اما دوسویه است. اشکال غیراستاندارد اشتغال کارگران شامل گروه‌های چهارگانه اشتغال موقت یعنی شاغلینی که در قالب قرارداد معین یا پروژه، یا قرارداد کار مشخص و همچنین به‌طور فصلی یا روزمزدی کار می‌کنند، است.

۲-۲-۳. مشاغل پرخطر

هرچند همه کارگران امکان دارد که شرایط کاری خود را غیرعادلانه توصیف کنند، اما گروه‌های معینی به‌طور خاص آسیب‌پذیرترند. از جمله کارگران مهاجر غیرقانونی، خدمتگزاران خانگی، کارگران جنسی و کارگران شاغل در صنایع پرخطر.

برخی کارها در شرایط خاص به توسعه انسانی آسیب می‌رسانند. بسیاری از مردم به کارهایی مشغولند که انتخاب‌های آنها را در زندگی محدود می‌کند. میلیون‌ها نفر در شرایط ظالمانه و ناعادلانه

کار می‌کنند؛ به طوری که ابتدایی‌ترین حقوق انسانی‌شان نقض شده و کرامت نفس انسانی آنها ضایع می‌گردد، کار کودکان، کار اجباری و ... از این جمله‌اند. همچنین میلیون‌ها نفر از کارگران خانگی، مهاجر، جنسی و مشاغل زیان‌آور در معرض مخاطرات متنوع قرار دارند.

برخی اوقات نیز در شرایطی که ساختارهای حقوقی کفایت یا ضمانت اجرایی نداشته باشند، کارفرمایان با توسل به تهدید و ارعاب از پرداخت حقوق طفره می‌روند یا حقوق کمتری پرداخت می‌کنند. آنها می‌توانند کارگران خانگی دستمزدی را به کارهای طولانی - تا ۱۸ ساعت کار روزانه و بدون تعطیل - وادار کنند. شرایط کار در این موارد اغلب نامساعد، با تغذیه ناکافی و بدون دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی است. همچنین کارگران دستمزدی خانگی در معرض سوء استفاده‌های جسمی و جنسی قرار دارند.

معدن کاری یکی از مشاغل بسیار پرخطر در بسیاری از کشورهاست؛ حدود یک درصد از نیروی کار جهان (۳۰ میلیون نفر) در معدن کار می‌کنند، اما معدن کاری عامل ۸ درصد از حوادث مرگبار ناشی از کار و بسیاری از جراحات و معلولیت‌ها، مانند پنومو کونیوز (التهاب ریه ناشی از استنشاق غبارهای معدنی) است. صنعت ساختمان نیز یکی دیگر از صنایع پرخطر است. در کشورهای در حال توسعه کارگران ساختمانی با انواع مختلفی از تهدیدهای سلامت، مانند تنفس گردوغبار مواجهند و سه تا ۶ بار بیش از سایر کارگران در معرض حوادث منجر به فوت در محیط کار قرار دارند. بخشی از آسیب‌ها ناشی از کمبود اقدامات و تمهیدات ایمنی یا اجرای سست و غیراستاندارد عملیات ساختمانی است.

در کارخانه‌ها نیز حوادث زیادی رخ می‌دهند و به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر به دلیل جابجایی نیروی کار در جهان و اثر فزاینده بحران‌های مالی جهانی خطرهای افزایش یافته‌اند. شرکت‌ها در مصاف با فشارهای رقابتی شدید هزینه‌ها را به شدت کاهش می‌دهند. بدترین شکل کاهش هزینه‌ها عبور بی‌پروا از کنار استانداردهای ایمنی کار است که مخاطرات را برای کارگران کارخانجات افزایش می‌دهد.

۳-۲-۳. تبعیض

گاهی ارزش کار تحقیر می‌شود و رابطه آن با توسعه انسانی به دلیل تبعیض و خشونت در کار تضعیف می‌گردد. مشهودترین نمونه آن تبعیض جنسیتی و تأثیر آن در کسب جایگاه شغلی، میزان پرداخت و رفتار در محیط کار است. نوعی از تبعیض میان زنان و مردان، در نسبت کارهای درآمدی و غیردرآمدی زنان و مردان، همچنین پست‌های مدیریتی زنان خود را نشان می‌دهد.

نقش مردان و زنان در کار درآمدی و غیردرآمدی اغلب بسیار متفاوت است و این تفاوت از شرایط اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها و همچنین درک، نگرش و نقش‌های تاریخی جنسیتی جامعه تأثیر می‌پذیرند. این امر به نوبه خود فرصت‌ها و نتایج بسیار متفاوتی در توسعه ایجاد می‌کند.

از ۵۹ درصد از کار درآمدی که اغلب در خارج از خانه انجام می‌شوند، سهم مردان تقریباً دو برابر سهم زنان (۳۸ درصد در مقابل ۲۱ درصد) است. این تصویر در مورد کار غیردرآمدی معکوس است، در این نوع



کار که اغلب در محیط خانه انجام می‌شوند، زنان سه برابر بیشتر از مردان (۳۱ درصد در مقابل ۱۰ درصد) مشارکت دارند. این ارقام تنها یک بعد از عدم تعادل‌هایی است که در سطوح متعدد وجود دارند. گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۵ نشان داد که زنان در مقایسه با مردان ساعات بیشتری کار می‌کنند. در واقع هر چند زنان در مقایسه با مردان ساعات بیشتری کار می‌کنند مشارکت نسبتاً محدود آنها در نیروی کار، نشانه‌ای از نسبت نامتوازن کارهای مراقبتی و انتظاراتی است که به محدود شدن انتخاب‌ها منجر می‌شود.

در مقیاس جهانی، زنان در مقایسه با مردان ۲۴ درصد حقوق کمتری دریافت می‌کنند و در عرصه کسب‌وکار تنها ۲۵ درصد از پست‌های مدیریتی در اختیار زنان است. همچنین در ۳۲ درصد از کسب‌وکارها، هیچ زنی در پست مدیریت ارشد قرار ندارد. زنان در حال حاضر فقط ۲۲ درصد از کرسی‌ها را در کل پارلمان‌های ملی کشورها در اختیار دارند.

نتایج کلی تبعیض‌ها در کشورهای توسعه‌یافته (که اشتغال اغلب به شکل رسمی است) عبارتند از نرخ‌های مشارکت کمتر، نرخ بیکاری بیشتر و شکاف درآمدی بزرگ‌تر بین گروه‌های محروم و بقیه جمعیت. این شکاف‌ها در نتایج، تحت تأثیر دو لایه تبعیض دسترسی نابرابری به آموزش مطلوب و بی‌عدالتی در دسترسی به مشاغل و پیشرفت در محیط کار هستند.

در کشورهای در حال توسعه تبعیض اغلب درباره اقلیت‌های فرودست قومی اعمال می‌شود. نتایج کار برای گروه‌های قومی غیربرخوردار به صورت انواع مختلف نابرابری، فرصت‌های محدود و انواع تبعیض در مقاطع مختلف و متفاوت زندگی بروز می‌کند. برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، در کشورهای در حال توسعه نرخ مشارکت گروه‌های غیربرخوردار بیشتر است و علت آن وابستگی این گروه‌ها به خوداشتغالی و کار غیررسمی است که به نوبه خود به آسیب‌پذیری بیشتر و استفاده محدود از حمایت‌های اجتماعی منجر می‌شود.

۴. جهان در حال تغییر کار (تحولات شغلی)

چهره کار در جهان کنونی دستخوش دگرگونی پیوسته است و در حین دگرگونی بر توسعه انسانی تأثیر می‌گذارد. دو عامل اصلی تحول در کار ۱. جهانی شدن و ۲. انقلاب فناوری، به‌ویژه انقلاب دیجیتال است. جهانی شدن همبستگی جهانی را تقویت کرده و در الگوهای تجارت، سرمایه‌گذاری، ظهور، رشد و زوال مشاغل و نیز شبکه‌های کار خلاق و کار داوطلبانه تأثیر بسیار زیادی گذاشته است. به نظر می‌رسد ما امروز در جریان تند و نوین انقلاب فناوری قرار داریم. ساختار اقتصاد جهانی اکنون دستخوش تغییرات عمده شده است.

۱-۴. جهانی شدن

جهانی شدن به تغییر در بخش‌های اقتصادی و سازمان درونی آنها منجر شده است. براساس این هریک از بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات تحولات مهمی را تجربه می‌کنند. برای درک بهتر دگرگونی کار در جهان در حال تغییر کنونی به بررسی دقیق‌تر بخش‌های اقتصادی می‌پردازیم:

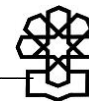
کشاورزی با وجود سهم کمتر در تولید ملی، منشأ و منبع مهم کار است، به‌گونه‌ای که امروز ۱/۳۴ میلیارد نفر در جهان، در حال کار یا جویای کار در بخش کشاورزی هستند. بسیاری از این کارها در مزارع خانوادگی انجام می‌شوند. بیش از ۵۰۰ میلیون مزرعه‌دار خانوادگی حدود ۸۰-۷۰ درصد از زمین‌های کشاورزی در جهان را اداره می‌کنند و کشاورزان مزارع که اغلب از یک خانواده هستند بیشتر از ۸۰ درصد محصولات غذایی جهان را تولید می‌کنند.

مزارع خانوادگی طیفی از زمین‌های کمتر از یک هکتار (۷۲ درصد از مزارع خانوادگی) تا زمین‌های بیشتر از ۵۰ هکتار (یک درصد از مزارع خانوادگی) را شامل می‌شوند. مزارع بسیار بزرگ اغلب به میزان بسیار زیادی مکانیزه شده‌اند، از کودها و بذره‌های اصلاح شده استفاده می‌کنند و از خدمات توسعه کشاورزی نیز بهره‌مند هستند. برخلاف مزارع بزرگ، مزارع کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه، اغلب دسترسی محدودتری به منابع و بهره‌وری کمتری دارند. بسیاری از کارگران در مزارع خانوادگی، درآمد خود را با کار خارج از مزرعه تکمیل می‌کنند.

دستمزدها و بهره‌وری در این مزارع معمولاً کم، شرایط کار اغلب ناایمن و ساعات کار نیز غیرقابل پیش‌بینی است. کار کشاورزی اغلب فصلی است: کاشت و برداشت مستلزم کار بلندمدت همه اعضای خانواده، از جمله کودکان است. به‌گونه‌ای که حدود ۶۰ درصد از کارگران کودک در بخش کشاورزی کار می‌کنند. در دوره‌هایی از سال کار بسیار کمتر و درآمدها نیز بسیار اندک است. با توجه به تعداد بسیار زیاد افرادی که برای معیشت خود به کشاورزی وابسته هستند و شرایط سخت و آسیب‌زایی که تحمل می‌کنند، تلاش‌هایی که با هدف افزایش بهره‌وری و بهبود شرایط کار در کشاورزی صورت می‌گیرد، آثار مثبت قابل توجهی در توسعه انسانی خواهد داشت.

در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، صنعت - به‌ویژه صنعت کارخانه‌ای - منشأ و منبع مهم کار است و ۲۳/۲ درصد از اشتغال جهانی را پوشش می‌دهد، اما از سال ۱۹۹۰ سهم اشتغال کارخانه‌ای از کل اشتغال حتی در کشورهای صادرکننده قوی کاهش یافته است. بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ اشتغال در صنعت کارخانه‌ای آلمان ۸ درصد و در جمهوری کره ۱۱ درصد کاهش داشته است.

دلیل روند اخیر این است که صنعت کارخانه‌ای بیش از پیش سرمایه‌بر شده و استفاده از روبات‌ها افزایش یافته است. هر سال ۲۰۰ هزار روبات صنعتی جدید به کار گرفته می‌شوند. صنعت اتوماسیون که صنعت صادراتی مهمی برای بسیاری از کشورهاست یکی از فروشندگان اصلی روبات‌های صنعتی است.



صنعت کارخانه‌ای یکی از بخش‌های بسیار مهارت پایه است و تولیدکنندگان فناوری دیجیتال متقاضی مجموعه متنوعی از مهارت‌ها هستند. یکی از مطالعات نشان داد که برای گروه منتخبی از شرکت‌ها، ۱۰ میلیون شغل بالقوه در کارخانجات به دلیل عدم دسترسی به افرادی با مهارت‌های کافی و مناسب ایجاد نشد.

در همین اثنا، رابطه بین کار کارخانه‌ای و کار خدماتی به‌طور فزاینده‌ای مبهم است. شرکت‌های صنایع کارخانه‌ای اکنون سیستم‌های تولید را با فعالیت‌های خدماتی مانند تحقیق، فروش و پشتیبانی از مشتری تلفیق کرده‌اند. در آمریکا ۳۰ تا ۵۵ درصد از مشاغل کارخانه‌ای به فعالیت‌های خدماتی اختصاص دارد. با فشاری که جهانی شدن و فناوری‌های محدودکننده کار بر مشاغل کارخانه‌ای اعمال می‌کنند، بسیاری از کشورها، به‌ویژه در آفریقای زیرصحرای با پدیده «صنعت‌زدایی پیش‌رس» مواجه می‌شوند. این پدیده فرصت‌های مربوط به صنعت و درآمد‌های ناشی از آن را در مقایسه با کشورهای پیشگام در صنعت محدودتر می‌کند.

از سال ۲۰۰۲ خدمات، در مقیاس جهانی بخش پیشتاز در اشتغال‌زایی بوده است. در سال ۲۰۱۳ این بخش ۴۶ درصد از مشاغل را پوشش داده است. رشد کار خدماتی ناشی از رشد کار دانش‌بنیان، مانند خدمات مالی و اداری و بخش‌های متکی بر فناوری و همچنین کارهای مبتنی بر مهارت کم، مانند خدمات تهیه غذا، کارهای مراقبتی و ساختمانی - حوزه‌هایی که برای رفاه انسان بسیار مهم هستند، ولی کارگران آنها نیز جزء آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی‌اند - بوده است. مبادله جهانی کالاها و خدمات و حمل‌ونقل در بخش تجارت مشاغل زیادی ایجاد کرده است. اشتغال در تجارت و خدمات توزیع از سال ۱۹۶۰ به بعد بیشترین تعداد کارگران را در بخش خدمات جذب کرده و بزرگ‌ترین جهش در این جذب، بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۰ رخ داده است.

در بسیاری جهات، بخش خدمات طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها، نیازهای مهارتی و شرایط کاری را پوشش می‌دهد که به انحای مختلف بر توسعه انسانی اثر می‌گذارند. کارگرانی که مهارت بسیار بالایی دارند یا به دلیل بهره‌مندی از دانش زیاد مزایای بیشتری دریافت می‌کنند با به‌کارگیری یا خلق فناوری‌های نوین می‌توانند توسعه انسانی را تقویت کنند، اما شرایط کاری آنها متفاوت است. افزون‌بر این، کار خدماتی سایر امور مانند خدمات نوآوری، خلاقیت و امور فرهنگی را نیز پوشش می‌دهد.

گسترش دامنه کار در بخش خدمات مستلزم توجه به سیاستگذاری در این بخش است که به‌نظر می‌رسد می‌تواند همچنان افراد بیشتری را جذب کند. اهداف سیاستگذاری‌ها باید تضمین کند که خدمات پایه برای توسعه انسانی و پیشرفت‌های فناوری استمرار خواهد یافت و کارگرانی که این خدمات را ارائه می‌دهند قادر به کسب مهارت‌های لازم و کافی بوده و در مقابل دستمزدهای ناکافی و شرایط کاری نامناسب حمایت خواهند شد.

۴-۲. انقلاب فناوری

در سال‌های اخیر دانش در تولید، نقش برتری ایفا می‌کند. حتی در تولیدات کارخانه‌ای ارزش کالای نهایی به‌طور فزاینده‌ای در دانش مستقر در آن کالا نهفته است. در سال ۲۰۱۲ تجارت کالاها و خدمات دانش پایه و منابع مالی آن - به ارزش تقریبی ۱۳ تریلیون دلار - ۱/۳ برابر بیشتر از کالاهای کاربر رشد کرد و سهم آن در کل حجم کالاها و خدمات مبادله شده بیشتر بوده است.

انقلاب دیجیتال، کار خلاق را به‌شدت متحول کرده و تولیدکنندگان کوچک و صنعتگران را توانمند ساخته است. برخی از فناوری‌ها که بیشترین قابلیت را در تغییر کار دارند، عبارتند از فناوری ابر، چاپ سه‌بعدی، رباتیک پیشرفته، ذخیره انرژی و اتوماسیون کار.

انقلاب فناوری تغییرات مهارت-پایه را ایجاد کرد: به تعبیری، آثار زنجیره‌ای فناوری‌های نوین تقاضا را برای کارگران کمتر ماهر کاهش و برای کارگران بسیار ماهر افزایش داده است. به بیان دقیق‌تر، این تغییر افرادی را که سرمایه انسانی بیشتری دارند، منتفع ساخته و فرصت‌های اشتغال را قطبی کرده است.

جدول ۲. تعداد ۲۰ شغل که در صدر فهرست مشاغل متأثر از اتوماسیون قرار دارند

مشاغلی که احتمالاً جایگزین خواهند شد	مشاغلی که احتمالاً جایگزین خواهند شد
درمانگران تفریحی	بازاریابان
سرپرستان تراز اول مکانیک، نصابان و تعمیرکاران	بازرسان، ممیزان و جستجوگران
مدیران اورژانس و مدیریت اضطراری	افراد مشغول به کار در فاضلاب
مددکاران اجتماعی سلامت روان و سوء مصرف مواد	تکنسین ریاضی
متخصصان شنوایی‌سنجی	پذیره‌نویس بیمه
متخصصان کاردرمانی	تعمیرکاران ساعت
ارتوپدها و متخصصان اندام‌های مصنوعی	حمل‌ونقل و نمایندگی‌های باربری
مددکاران اجتماعی بهداشت و درمان	مؤدیان مالیات
جراحان دهان و فک	افراد فعال در تهیه و تدوین عکاسی
سرپرستان خط اول پیشگیری و مبارزه با آتش‌سوزی	کارمندان حساب‌های جدید
متخصصین تغذیه	تکنسین کتابخانه
مدیران اسکان	کارمندان ورود اطلاعات
طراحان رقص	مونتاز کنندگان دستگاه‌های زمان‌سنج
مهندسان فروش	کارمند ثبت دعوی بیمه
پزشک و جراح	کارمندان کارگزاری
هماهنگ‌کننده‌ها و راهبران آموزشی	کارمندان ثبت سفارش
روان‌شناسان	ارزیابان بیمه
سرپرستان تراز اول پلیس و کارآگاهان	داوران و مقامات ورزشی
دندانپزشکان	پیشگویان
معلمان مدارس ابتدایی، بجز آموزش و پرورش ویژه	

مأخذ: گزارش توسعه انسانی (به نقل از فری و ابستروم، ۲۰۱۳)، ص ۱۳۳.



در سال‌های اخیر دانش، نقش محوری در تولید را دارا بوده است. حتی در تولید کارخانه‌ای، ارزش کالاهای نهایی به‌طور فزاینده‌ای بر مبنای دانش نهفته در کالاهای یاد شده تعیین می‌شود. انقلاب دیجیتال اشکال نوینی از کار انعطاف‌پذیر را ایجاد کرده و مردم را در پاسخ به نیازهای معیشتی و انجام دادن فعالیت‌های کاری مختلف در زندگی توانمند ساخته است. بسیاری از افرادی که کارشان به رایانه مربوط است در همه جا، در کافه‌ها، قطارها و به‌ویژه در خانه‌های خود می‌توانند کار کنند. همچنین هوش مصنوعی به‌طور حتم روند عادی کسب و کار را تغییر خواهد داد و در برخی موارد اشکال جدیدی از همکاری، مشارکت و نوآوری کار را بیشتر به یک پدیده و تجربه اجتماعی تبدیل خواهد کرد.

انقلاب دیجیتال همچنین در حال ایجاد تغییرات عمده‌ای در بازار اشتغال است. اقتصاد دیجیتال با افزایش امیدواری رسیدن به هزینه نهایی صفر (امکان تولید دانش دیجیتالی در قالب داده‌ها و نرم‌افزارها با هزینه تقریباً صفر)، می‌تواند دسترسی بدون هزینه را به دانش تضمین کند که در نتیجه آن تولید همراه با اشتغال‌زایی نخواهد بود. انقلاب دیجیتال فضای مجازی را به‌عنوان مهمترین فضای خرید و تهیه ملزومات زندگی مطرح کرده است. همچنین امکان دور کاری و انجام امور کاری از منزل از دیگر دستاوردهای انقلاب دیجیتال است. دستاورد بعدی امکان کارآفرینی خلاق (استارت آپ‌ها) و در نهایت امکان کار و اشتغال در شبکه‌های جهانی اینترنتی به‌عنوان دستاوردهای دیگر انقلاب دیجیتال مطرح است.

۵. پیامدهای دگرگونی‌های کار (تحولات شغلی) و توسعه انسانی

طی ۱۰ سال گذشته تجارت جهانی در کالا و خدمات حدود دو برابر شده است و از ۱۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۵ به حدود ۳۴ میلیون دلار در سال ۲۰۱۴ رسیده است. بخش دیجیتال این جریان تجاری نیز همواره در حال رشد بوده است.

جهانی شدن؛ مشاغل و کارگران را از طریق برون‌سپاری و تشکیل زنجیره ارزش بین‌المللی در شبکه‌های جهانی به هم پیوند می‌زند. شرکت‌ها در قالب قرارداد انتقال یا قرارداد فرعی (یا ترکیبی از هر دو) قسمتی از عملیات یا فعالیت‌های جانبی خود را به کشورهایی که هزینه تولید کمتری دارند انتقال می‌دهند. برای مثال شرکت اپل از بین ۷۵۰ هزار نفری که در سراسر جهان به طراحی، فروش، ساخت و مونتاژ محصولاتش مشغولند تنها ۶۳ هزار نفر را به استخدام درآورده است. در فرآیند برون‌سپاری، مشاغل مونتاژ به تدریج به مناطق صادراتی کشورهای در حال توسعه با صنایع صادرات‌محور منتقل شدند. سیستم زنجیره ارزش جهانی در درون و در بین کشورها و در بین صنایع، برندگان و بازندگان دارد. ماهیت آزاد زنجیره‌های ارزش جهانی می‌تواند امنیت مشاغل را کاهش و دولت‌ها و پیمانکاران جزء را برای کاهش هزینه‌ها تحت فشار قرار دهد. این فشارها به نوبه خود حقوق کارگران و شرایط کاری آنها به‌ویژه کارگران با مهارت کمتر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

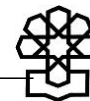
برخی از شواهد حاکی از بالا بودن بهره‌وری کار در زنجیره‌های ارزش جهانی است؛ اما بر مبنای همین شواهد، دستمزدها برای کارگران داخل و خارج از این زنجیره‌ها یکسان است، بنابراین پرسشی که مطرح می‌شود این است که رشد بهره‌وری چگونه بین کار و سرمایه تقسیم می‌شود؟ فشارهای بازار که از طریق زنجیره‌های ارزش جهانی انتقال می‌یابد به‌نظر می‌رسد توسط نیروی کار جذب می‌شود، این فشارها یا از طریق رقابت‌های جهانی به دستمزدها منتقل می‌شود، یا از طریق زنجیره‌های پیمانکاری‌های جزء به رشد بخش غیررسمی و ناامنی در قراردادها منجر می‌شود یا به اخراج کارگران در دوره‌های رکود منتهی می‌شود. شرکت‌های چندملیتی گاهی نیروی کار محروم از حقوق کار را به کار می‌گیرند، آنها ترکیبی از نیروی کار ثابت، کارگران موقت، پیمانکاران مستقل، کارگران پروژه‌محور و کارگران مشاغل برون‌سپاری شده را با هدف ایجاد انعطاف در تولید و مدیریت هزینه‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند. مشارکت در زنجیره‌های ارزش، در الگوی دوگانه کار برای برخی شغل امن و سازگار با کرامت نفس و برای برخی دیگر (حتی در یک کشور و یک صنعت معین) شغل ناپایدار ایجاد می‌کند. کشورهای در حال توسعه همچنین با خطر قفل شدن در حلقه‌های کم‌ارزش‌تر زنجیره ارزش جهانی که فرصت‌های کار، بهبود مهارت‌ها و عرضه فناوری را محدود می‌کند، مواجهند.

۱-۵. قطع رابطه بهره‌وری و دستمزدها

وعده ضمنی انقلاب فناوری این بود که افزایش بهره‌وری کار و در نتیجه دستمزدهای بیشتر تحقق خواهد یافت. تصور می‌رود این وعده تحقق نیافته است. هرچند بهره‌وری رشد یافته، اما نرخ رشد آن متناسب با جهشی که انتظار می‌رفت به‌دنبال انقلاب دیجیتال رخ دهد نبوده است. این پدیده به «پارادوکس سولو» موسوم است. برای این پارادوکس چند دلیل بیان شده است: انقلاب دیجیتال چندان زیرساختی و بنیادی نبوده، بنابراین منافع کمتری ایجاد کرده و این منافع تا حدودی با تغییرات ساختار جمعیتی و افزایش نابرابری استهلاک شده است. دلیل دیگر اینکه انقلاب دیجیتال با تأخیر بلندمدت رخ داده است یا رشد بهره‌وری در اثر انقلاب دیجیتال به‌جای بخش تولید در خدمات ظهور یافته، بخشی که صرفه‌های ناشی از مقیاس بسیار قابل توجه بوده است.

۲-۵. افزایش نابرابری در سهم درآمد

انقلاب فناوری توأم با افزایش نابرابری‌ها بوده است. حتی افراد با تحصیلات و آموزش‌های مهارتی بهتر که با بهره‌وری بیشتری قادر به فعالیت هستند پاداش شایسته‌ای از منظر میزان درآمد، ثبات کار و منزلت اجتماعی کسب نکرده‌اند. به‌طور کلی کارگران، برپایه مطالعه مربوط به ۲۷ کشور توسعه‌یافته و ۲۸ کشور در حال توسعه سهم کوچک‌تری از کل درآمد شرکت‌های متبوع را دریافت کرده‌اند. کشورهای در حال



توسعه از سال ۱۹۹۰ شاهد روند نزولی قابل توجهی در سهم دستمزد بودند. این روند نزولی را می‌توان در کاهش رشد میانگین دستمزدهای واقعی مشاهده کرد، با این توصیف که به موازات رشد سهم نیروی کار بسیار ماهر (و سهم سرمایه) از درآمدها، سهم نیروی کار با مهارت کم و متوسط کاهش یافته است. سهم کاهنده دستمزد کارگران را می‌توان در کاهش رشد میانگین دستمزدهای واقعی مشاهده کرد. در شرایطی که سهم دریافتی نیروی کار بسیار ماهر (و سرمایه) در حال افزایش است، سهم بقیه کارگران روند کاهشی دارد. افزایش شدید جبران خدمات نیروی کار به نفع حقوق‌بگیران پردرآمد، فقط اقلیت بسیار کوچکی را که ۱۰ درصد، ۱ درصد یا حتی یک‌هزارم کل نیروی کار هستند منتفع ساخته است. سهم ۱ درصد ثروتمندترین‌های جهان در ثروت جهانی از ۴۴ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۴۸ درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت و پیش‌بینی می‌شود این نسبت در سال ۲۰۱۶ به بیش از ۵۰ درصد برسد. ثروت سرانه ثروتمندترین افراد جهان در سال ۲۰۱۴ به‌طور متوسط برابر با ۲/۷ میلیون دلار بوده است.

۳-۵. کاهش قدرت چانه‌زنی کارگران

اتحادیه‌ها، احزاب سیاسی، گروه‌های مدافع زنان و سایر تشکل‌های جمعی به مدت طولانی برای کارگران عامل و ابزار حق بیان و مشارکت - که در خلق ارزش و کیفیت کار بسیار حیاتی هستند - بوده‌اند. با استفاده از این بستر، کارگران ارزش‌ها و علائق جمعی خود را صورت‌بندی و محافظت می‌کنند. در دهه‌های اخیر قابلیت لازم برای مذاکرات قوی کارگری به تحلیل رفته است. دلیل آن جهانی شدن است که کارگران را در کشورهای مختلف به تقابل با یکدیگر کشانده است؛ علت این تقابل از یک‌سو ابتکارات فناوری است که نیروی کار را پراکنده کرده و از سوی دیگر الگوهای نوین اشتغال است که با گسترش کار پاره‌وقت مرز بین کار رسمی و غیررسمی را مخدوش کرده است.

۴-۵. بیکاری جوانان

بیکاری و به‌خصوص بیکاری جوانان از جمله معضلات جهانی کار در جهان معاصر است. امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان، زیر ۳۰ سال دارند. این جمعیت جوان معمولاً در مقایسه با والدین خود از سلامت و آموزش بهتری برخوردارند و می‌توانند از مزیت فناوری ارتباطات مدرن و رسانه‌ها که آنها را برای مشارکت بیشتر در جامعه جهانی آماده می‌کند، بهره‌مند شوند. بنابراین جوانان انتظار بیشتری از کار دارند؛ ولی بسیاری از آنها نمی‌توانند کار پیدا کنند.

در سال ۲۰۱۵، تعداد ۷۴ میلیون نفر از جمعیت جهان (گروه‌های سنی بین ۱۵ تا ۲۴ سال) بیکار بودند. نرخ بیکاری جوانان به بزرگسالان در نقطه اوج تاریخی خود قرار دارد. به‌ویژه در کشورهای عربی به‌علاوه در بخش‌هایی از جنوب اروپا و آمریکای لاتین و حوزه کارائیب این نرخ بسیار بالاست. برای مثال

نرخ بیکاری جوانان در ایتالیا در سال ۲۰۱۴، به میزان ۳/۴ برابر نرخ بیکاری بزرگسالان بود، این نسبت در کرواسی ۳ برابر و در جمهوری چک، پرتغال و اسلوواکی نیز حدود ۲/۵ برابر بود. نرخ بیکاری جوانان در این کشورها در مقیاس مطلق نیز بالاست. (۵۳ درصد در اسپانیا، ۴۶ درصد در کرواسی، ۳۵ درصد پرتغال و ۳۰ درصد در اسلوواکی).

بیکاری جوانان که با بحران مالی سال ۲۰۰۸ و رکود جهانی تشدید شد به نظر می‌رسد در دوره پسابحران با رشد کم و بطئی همچنان ادامه خواهد یافت. بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ حدود ۱/۱ میلیارد جوان جوای کار وارد بازار کار خواهند شد که بسیاری از آنها از اتباع کشورهای جنوب آسیا و آفریقای زیرصحرای خواهند بود. همچنین مهارت‌های مورد نیاز بازار با مهارت‌های موجود ناسازگارند. ناسازگاری در مهارت‌ها با نسبت بزرگی از جمعیت جوان محروم از آموزش، اشتغال یا پرورش ارتباط نزدیکی دارد.

برای بسیاری از کارگران جوان، تنها مجرای اشتغال در بخش رسمی اقتصاد اشتغال موقت است. آنها اغلب اخراج می‌شوند زیرا بسیاری از کشورها به‌ویژه در اروپا، حمایت‌های شغلی را برای کارگران دائمی بزرگسال تنظیم کرده‌اند. از شروع بحران اخیر به بعد، تعداد زیادی از کشورها شاهد افزایش ناگهانی نسبت جمعیت جوانی هستند که نه شاغلند و نه در حال تحصیل و آموزش مهارت هستند.

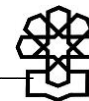
۴-۵. جمع‌بندی

بازار به تنهایی نمی‌تواند فناوری‌های دیجیتال و سیستم‌های ارتباطات جهانی را در مسیر توسعه انسانی هدایت کند. اکنون سیاست‌ها و اقدامات عمومی، ملی و جهانی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که به‌نحو مطلوب از مزیت این فرصت‌ها استفاده کنند و نهادهای ذیربط باید انگیزه‌ها و فرصت‌های نوآوری و فعالیت اقتصادی را برای عرصه‌های بین‌بخشی در جامعه فراهم کنند.

جهان در حال تغییر کار که با چالش مواجه است، باید تضمین کند که جهانی شدن و تحولات گسترده در جهان تأمین‌کننده فرصت‌های برابر و نویدبخش بهبود توسعه انسانی برای همگان - اعم از زنان و مردان و نسل‌های فعلی و آتی - خواهد بود. در چنین بستری موضوعات مربوط به متوازن‌سازی کار مراقبتی دستمزدی و غیردستمزدی و در کنار آن کار پایدار از اهمیت بیشتری برخوردارند.

۶. پیشبرد توسعه انسانی از مسیر اشتغال

مفهوم کار در گفتمان توسعه انسانی فراتر از شغل است. در این گفتمان کار، گسترش انتخاب‌های مردم و اطمینان از قابل دسترس بودن فرصت‌ها مطرح است. این تمهیدات تضمین می‌کند که فرصت‌های کار دستمزدی کافی و کیفی وجود داشته و کار برای افرادی که مایل به کار دستمزدی هستند و نیاز به آن



دارند فراهم شده است. در جهانی با نرخ‌های بالای بیکاری برای جوانان، بی‌ثباتی مالی و جمعیت بالایی از کارگران فقیر، ایجاد مشاغل کیفی بسیار حیاتی است. توانمندسازی اقتصادی زنان از مسیر کار دستمزدی مستلزم ایجاد مشاغل جدید است. مواجهه با این وضعیت توسعه انسانی نیازمند اقداماتی مانند تعیین هدف اشتغال، تهیه استراتژی‌های توسعه اشتغال‌زا، تبیین کار شایسته برای حفظ کرامت انسانی نیروی کار و سایر اقدامات است.

۱-۶. تعیین هدف اشتغال

لازم است استراتژی‌های بسیار جامع در اشتغال ملی با تأکید بر ایجاد کار بیشتر و کیفی‌تر برای مردان و زنان تدوین شوند. هدفگذاری اشتغال - هدایت سیاست‌های پولی و مالی برای ایجاد اشتغال - شایسته توجه ویژه است و اهمیت آن به‌طور گسترده‌ای در جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده و به همین دلیل است که دو هدف پیشنهادی برای توسعه پایدار ۱. هدف اشتغال مولد و ۲. کار شایسته برای همگان منظور شده است. مداخلات شامل موارد زیر هستند:

۱-۱-۶. اضافه کردن هدفگذاری اشتغال به ماتریس سیاست‌های ملی

ده‌ها کشور در جهان وجود دارند که یکی از انواع مختلف اهداف اشتغال را استفاده می‌کنند (برای مثال می‌توان به ایجاد ۸۰۰۰۰ شغل در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۴ در هندوراس و هدف کاهش نرخ بیکاری از ۷/۶ درصد به ۵/۶ درصد در اندونزی) اشاره کرد. چنین تکالیف ملی در حوزه کار بستر لازم برای ایجاد شغل و تسریع اقدامات لازم برای کار را در بخش‌های عمومی و خصوصی فراهم می‌کند. اقداماتی مانند تأمین اعتبار برای بنگاه‌های خرد و متوسط با شرایط مناسب یا هدایت بانک‌های تجاری در اعمال سهمیه به‌منظور تضمین اعطای وام به بخش‌هایی (مانند بخش کشاورزی) که دارای بیشترین تعداد کارگران فقیر هستند در ایجاد مشاغل مؤثر هستند. به همین ترتیب سیاست‌های پولی همسو با اشتغال‌زایی، سیاست‌های مالی خاص مانند اعتبارات مالیاتی برای بنگاه‌های خرد و متوسط و اعطای یارانه به کسب‌وکارهایی که در مناطق کمتر توسعه‌یافته ایجاد می‌شوند، اشتغال‌زایی را تقویت می‌کنند.

۲-۱-۶. تقویت هدفگذاری دوسویه توسط بانک‌های مرکزی

اشتغال‌زایی شاید نیازمند گسترش نقش و وظیفه سنتی بانک‌های مرکزی از وظیفه کنترل تورم به وظیفه ایجاد مشاغل جدید باشد. هدفگذاری تورم، حتی اگر موجب تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کاهش تورم و تورم‌انتظاری شود، به‌نظر نمی‌رسد که سهم زیادی در رشد بخش واقعی اقتصاد داشته باشد. در واقع، هدفگذاری تورمی در کشورهای در حال توسعه با توجه به شواهد موجود تأثیر مثبتی در رشد نداشته است. افزون‌بر این با لحاظ کردن چالش‌های بزرگ عدم اشتغال و اهمیت زیاد ایجاد شغل در کاهش فقر و توسعه انسانی،

بانک‌های مرکزی می‌توانند هدف دوسویه تورم و اشتغال را به‌طور همزمان دنبال کنند. سیاست‌هایی که حمایت‌های تأمین مالی از کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاری در بخش واقعی اقتصاد را افزایش می‌دهند از جمله ابزارهای پولی این هدفگذاری هستند. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به مکانیسم‌های تخصیص اعتبار در چارچوب مقررات و قواعد اندوخته‌های متکی بر دارایی (که هزینه نگهداری از ذخایر را برای بانک‌ها افزایش می‌دهد)، تضمین وام‌ها (که خطر استقراض را برای کارآفرینان کاهش می‌دهد)، حمایت از ادغام و تعهد وام‌های خرد، استفاده از پنجره تخفیف برای تخصیص اعتبار در بانک‌های مرکزی برای سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا و نیز تکنیک‌های مدیریت سرمایه اشاره کرد. تعدادی از کشورها (از جمله هندوراس و اندونزی) برای خود اهداف اشتغال را تبیین کرده و بانک‌های مرکزی آنها هدف دوگانه را دنبال می‌کنند (از هدف اصلی خود یعنی کنترل تورم عبور کرده و بر اهداف اشتغال تمرکز کرده‌اند). برخی از بانک‌های مرکزی نظیر بانک‌های مرکزی شیلی، کلمبیا، هند، مالزی و سنگاپور ابزارهای خاص سیاست‌های پولی را برای ایجاد فرصت‌های بیشتر اشتغال مورد توجه قرار داده‌اند.

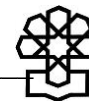
۶-۲. تدوین استراتژی‌های توسعه اشتغال‌زا

مدت مدیدی چنین فرض می‌شد که رشد اقتصادی در یک فرآیند نفوذ از بالا به پایین، به خودی خود به ایجاد مشاغل منجر می‌شود، اما در گذر زمان جهان شاهد رشدهای بدون شغل بود؛ به‌طوری که رشد اقتصادی مشاغل جدیدی به‌طور متناظر ایجاد نکرد. بسیار مهم است که اطمینان حاصل کنیم هم‌افزایی و رابطه تکمیلی دوسویه بین کار و سرمایه برقرار بوده و این رابطه در فرآیند توسعه تقویت می‌شود. این اطمینان از طریق سیاست‌ها و مداخلات دولت صورت می‌گیرد. برخی از این مداخلات در بستر توسعه اشتغال‌زا عبارتند از:

- حذف موانع اصلی توسعه اشتغال‌زا،
- تقویت رابطه بین بنگاه‌های کوچک و متوسط (به‌ویژه کسب‌وکارهای کاربر) و شرکت‌های بزرگ سرمایه‌بر (به‌ویژه شرکت‌های بین‌المللی)،
- به‌روزرسانی مهارت‌های کارگران در دوره زندگی،
- تمرکز بر بخش‌هایی که محل زندگی و کار فقراست،
- طراحی و اجرای یک چارچوب حقوقی و قانونی برای مبارزه با کار غیررسمی،
- تنظیمات مربوط به توزیع سرمایه و کار در مخارج عمومی برای ایجاد شغل.

۶-۳. کار شایسته

یکی دیگر از اقدامات مورد نیاز برای تحقق توسعه انسانی برنامه کار شایسته است. برنامه کار شایسته



چهار رکن دارد. که در هر چهار رکن، توسعه انسانی را تقویت می‌کند. چهار رکن برنامه کار شایسته عبارتند از:

ایجاد اشتغال و توسعه کسب و کار: این رکن مستلزم آگاهی است، آگاهی از این واقعیت که ریشه اصلی خروج از فقر در شغل نهفته و اقتصاد باید فرصت‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، ایجاد مشاغل و معیشت پایدار فراهم کند.

استانداردها و حقوق ناظر بر کار: مردم به فرصت‌های ظهور قابلیت‌های خود در مشارکت، اظهارنظر و داشتن حق بیان برای مطالبه حقوق و کسب حرمت و کرامت نیاز دارند. الگوی کار معرفی شده از طرف سازمان جهانی کار خط‌مشی مهمی برای انطباق و سنجش پیشرفت محسوب می‌شود.

حمایت‌های اجتماعی: حمایت‌های اجتماعی پایه مانند مراقبت‌های درمانی و امنیت بازنشستگی شالوده مشارکت مولد و مفید در جامعه و اقتصاد است.

حکروایی و گفتگوی اجتماعی: گفتگوی اجتماعی بین دولت‌ها، کارگران و کارفرمایان می‌تواند مسائل اجتماعی و اقتصادی مهم را حل و فصل، حکروایی خوب را ترویج، روابط مناسب کار را ایجاد و پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی را تسریع کند.

۴-۶. سایر اقدامات

همچنین از دیگر اقدامات لازم برای توسعه انسانی، حرکت در مسیر فراگیر مالی، ایجاد سازوکار حمایتی در اقتصاد کلان و اتخاذ ابزارهای لازم برای مواجهه مؤثر با بیکاری جوانان است. این ابزارها شامل اقداماتی مانند گسترش خدمات بانکی به اقشار مردم و گروه‌های جمعیتی آسیب‌پذیر و اصلاح ساختار بودجه برای تخصیص منابع به بخش‌های اشتغال‌زا می‌شود.

جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی

کاری که برای توسعه انسانی انجام می‌شود، چیزی بیش از شغل به مفهوم عام است؛ البته توسعه انسانی نیز به نوبه خود انتخاب‌های افراد را افزایش می‌دهد و تضمین می‌کند که همیشه فرصت‌هایی برای کار وجود دارند. این تضمین شامل دسترسی به فرصت‌های کار با حقوق مکفی، بهبود شرایط کیفی و همچنین وجود فرصت‌های مناسب کار برای افراد نیازمند به کار درآمدی نیز می‌شود.

ایجاد فرصت‌های اشتغال به طرح‌های دقیق و استراتژی‌های مشخص برای استفاده از فرصت‌ها در جهان متحول کار نیاز دارد. برای حل مشکلات پیچیده کار در بسیاری از کشورها تدوین استراتژی‌های اشتغال ملی ضروری است. در حال حاضر، حدود ۲۷ کشور در حال توسعه براساس استراتژی‌های اشتغال

ملی عمل می‌کنند، ۱۸ کشور دیگر در حال پیاده‌سازی این استراتژی‌ها بوده و ۵ کشور نیز در حال بازبینی سیاست‌های خود برای دستیابی به راهکارهای بهتر برای مقابله با چالش‌های اشتغال هستند. مهمترین ابزارهای سیاستی در استراتژی اشتغال عبارتند از تعیین هدف اشتغال، تنظیم استراتژی ملی رشد اشتغال‌زا و تبیین اعمال «کار شایسته».

همچنین کار در شرایطی به توسعه انسانی منجر می‌شود که همراه با بسط عدالت باشد. هرچند کار باید منشأ عدالت بیشتر در جوامع باشد؛ اما در صورتی که تفاوت فاحش در فرصت‌ها و پاداش‌ها انشقاق و نابرابری‌ها را در جامعه نهادینه کند، می‌تواند موجب نابرابری و بی‌عدالتی باشد. حوزه‌های گوناگون نابرابری و بی‌عدالتی از جمله عدم توازن و بی‌عدالتی در تقسیم کار بین مردان و زنان وجود دارد که باید مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد باید تغییر یابد. انواع گزینه‌های سیاستی برای ارتقای توسعه انسانی از مسیر کار باید در بستر گسترده‌ای شامل ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر با هدف گسترش دامنه انتخاب کار، تضمین رفاه کارگران و اقدامات مشخص و هدفگذاری شده برای حل چالش‌های گروه‌ها و شرایط خاص کار در نظر گرفته شود. در این زمینه باید گام‌هایی در چهارمحور سیاستی برداشته شوند: الف) کاهش و تقسیم مسئولیت کار مراقبتی غیردستمزدی ب) گسترش فرصت‌های کار درآمدی برای زنان ج) بهبود نظام جبران خدمات د) ارزش کار درآمدی و تغییر قواعد و سنت‌ها.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۵۸۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: خلاصه گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵ کار برای توسعه انسانی

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه توسعه و برنامه‌ریزی)

تلخیص: حسین رجب‌پور

ناظران علمی: فرشاد مؤمنی، سیدمحسن علوی‌منش

منتقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی: _____



تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۹/۲۰